

تفاوت‌های فردی در نقش‌های جنسیتی و ارتباط آن با دینداری دانش‌آموزان

بهنام جمشیدی سلوکلو^۱
دکتر راضیه شیخ‌الاسلامی^۲

چکیده

این پژوهش به منظور بررسی رابطه تفاوت‌های فردی در نقش‌های جنسیتی با دینداری دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز انجام شد. جامعه آماری پژوهش، شامل همه دانش‌آموزان دوره‌های راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز بود که تعداد ۳۸۲ نفر (۱۶۰ دختر و ۲۲۲ پسر) از آن‌ها به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه دینداری گلاک و استارک و پرسشنامه نقش جنسی بم را تکمیل نمودند. بررسی تفاوت‌های بین دو جنس با استفاده از تحلیل کوواریانس نشان داد که بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر میزان کلی دینداری، تفاوت معناداری وجود نداشت. با این حال دانش‌آموزان پسر در بعد مناسکی، نمره بالاتری کسب کردند. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه نیز حاکی از آن بود که نقش‌های جنسیتی زنانه با دینداری رابطه مثبت و معناداری دارد. اما نقش‌های جنسیتی مردانه رابطه معناداری با دینداری نداشت. به نظر می‌رسد نمره بالاتر پسران در بعد مناسکی، ناشی از آزادی عمل بیشتر آنان برای حضور در اجتماعات مذهبی باشد. یافته‌های مربوط به نقش‌های جنسیتی با مبانی نظری و تحقیقات پیشین همسو است.

واژگان کلیدی: جنسیت، نقش‌های جنسیتی، دینداری و دانش‌آموزان.

۱. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، بخش روان‌شناسی تربیتی، آدرس پست الکترونیک: soloklo@gmail.com

۲. دانشیار بخش روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه شیراز، آدرس پست الکترونیک: sheslami@shirazu.ac.ir

مقدمه

هر اجتماعی، مجموعه‌ای از صفات شخصیت، نگرش‌ها، ترجیحات و رفتارهای مختص جنس را تعریف می‌کند. پسران و دختران از طریق فرایندهای جامعه‌پذیری^۱، منظومه‌ای از این ویژگی‌ها را کسب می‌کنند (یو و زی^۲، ۲۰۰۸). مطابق با نظریهٔ هویت نقش جنسی^۳ (بم^۴، ۱۹۷۵؛ ۱۹۷۴) مردان و زنان با ویژگی‌های زنان و مردانه که توسط فرهنگ تعریف شده است، همانند سازی می‌کنند (به نقل از ایوان^۵، ۲۰۱۲). مردانگی و زنانگی به عنوان ابعاد اصلی هویت‌یابی، معرف دو ویژگی بنیادین آدمی هستند: بیانگری و جمع‌گرایی^۶ به عنوان ویژگی‌های زنان و عاملیت و ابزارگری^۷ به عنوان ویژگی‌های مردانه (بم، ۱۹۷۴ و اسپنس، ۱۹۹۳ به نقل از لوپز-سائیز، مورالس و لیسبونا^۸، ۲۰۰۸). هر چند بین جنسیت و صفات مردانه و زنانه رابطه وجود دارد، اما این رابطه‌چندان قوی نیست. به عبارت دیگر جنسیت محدود به جامعه‌پذیری نقش‌های جنسیتی نیست (ساوسیر^۹ و همکاران، ۲۰۰۲). علاوه بر این با وجود اینکه هویت جنسی نسبتاً باثبات است، اما توصیف افراد از خود، تحت تأثیر بافت محیطی و اجتماعی - فرهنگی قرار می‌گیرد (رایسمن و داویس^{۱۰}، ۲۰۱۳).

مطابق با نظریهٔ طرحوارهٔ جنسیتی^{۱۱} بم، کودکان اطلاعات را بوسیلهٔ یک طرحوارهٔ جنسیتی در حال تکامل پردازش می‌کنند. کودکان در می‌یابند که کدام

-
1. socialization
 2. Yo & Xie
 3. sex role identity
 4. Bem
 5. Ivan
 6. assertiveness & communal
 7. agency & instrumentality
 8. Lopez-Saez, Morales & Lisbona
 9. Saucier
 10. Risman & Davis
 11. gender schema theory

خصوصیات به جنسیت آن‌ها مربوط است و همزمان یاد می‌گیرند که ترجیحات، نگرش‌ها، رفتارها و خصوصیات شخصی خود را با الگوهای ذخیره شده در طرحواره خود مقایسه کنند. طرحواره جنسیتی، معیار یا راهنمای این مقایسه گردیده و خودپنداره به عنوان یک عامل انگیزشی درونی شده عمل می‌کند تا افراد را برای تنظیم رفتار خود به گونه‌ای که با تعاریف فرهنگی از زنانگی و مردانگی مطابقت داشته باشد، برانگیزد (بم، ۱۹۸۱).

متغیر دیگر این تحقیق، دینداری است که مفهومی پیچیده و چندبعدی بوده و شامل تأثیرات مستقیم، غیر مستقیم و متقابل است (استاکس و الیسون^۱، ۲۰۱۰). به عقیده باتسون و همکاران (۱۹۸۲) دین عبارت است از آنچه ما برای پاسخدهی به سؤالی که با آن مواجه هستیم، انجام می‌دهیم. زیرا از زنده بودن خود، آگاهیم و می‌دانیم که خواهیم مرد. وی دین را بدون رجوع به وجود خداوند تعریف می‌کند در حالیکه پوتز (۱۹۹۱) دین را پذیرش یا باور به یک وجود مقدس می‌داند که در همه چیز جاری است (به نقل از تایلور^۲ و همکاران، ۱۹۹۹).

یکی از رویکردهای مهم به دینداری به وسیله گلاک و استارک^۳ (۱۹۶۵؛ ۱۹۶۶؛ استارک و گلاک، ۱۹۶۸) ارائه شده است. آن‌ها بین ابعاد مناسکی، اعتقادی، عاطفی و پیامدی تمایز قائل شده‌اند. بعد مناسکی به مناسک اجتماعی نظیر رفتن به مسجد یا کلیسا و مناسک فردی نظیر خواندن نماز یا دعا قابل تقسیم است. بعد اعتقادی به باور به خدا و زندگی پس از مرگ، بعد عاطفی به عواطف و احساسات دینی و بعد پیامدی به اهمیت مذهب در زندگی روزمره اشاره دارد (به نقل از ریتسما، شیررز و جانسن^۴، ۲۰۰۷).

1. Stokes & Ellison
2. Taylor
3. Glock and Stark
4. Reitsma, Scheepers & Janssen

در مورد تفاوت‌های جنسیتی در دینداری، اتفاق نظر زیادی در پیشینه تحقیق وجود دارد. بر طبق نظر آرگلی و بیت‌هالاهمی (۱۹۷۵) این نتیجه‌گیری که زنان در مقایسه با مردان مذهبی‌تر هستند، یکی از مسجل‌ترین یافته‌ها در حوزه روان‌شناسی دین است (به نقل از فرانسیس^۱ و همکاران، ۱۹۹۶). بین زنان و مردان، نه تنها از نظر میزان، فراوانی و شدت دینداری تفاوت وجود دارد، بلکه نوع دینداری نیز در آنها متفاوت است. مردان عموماً برای رسیدن به اهداف فردی عبادت می‌کنند. در حالیکه حرف زدن با خدا در زنان به خودی خود هدف است. خدای زنان اغلب اهل درک و همدلی است در حالیکه خدای مردان قضاوت‌گری بر حق است (آرگلی و بیت‌هالاهمی، ۱۹۷۵ به نقل از فلر^۲، ۲۰۰۷).

هر چند در مورد رابطه نقش‌های جنسیتی و دینداری تحقیق چندانی انجام نشده است، در مورد رابطه بین جنسیت و دینداری تحقیقات متعددی انجام شده است که در اغلب موارد مؤید برتری زنان نسبت به مردان است: به عنوان مثال گیلوم^۳ (۲۰۰۵)، کیم^۴ (۲۰۰۶)، گروپ^۵ (۲۰۰۶)، ماسلکو و کوب‌زانسکی^۶ (۲۰۰۶)، روسو و تورلیوک^۷ (۲۰۱۱)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، گنجی و همکاران (۱۳۸۹)، سفیری و همکاران (۱۳۸۸)، تمدنی (۱۳۸۵)، توسلی و همکاران (۱۳۸۵)، دهشیری و همکاران (۱۳۸۷)، لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۳) و آهنکوب نژاد (۱۳۸۸).

به عقیده تامپسون^۸ (۱۹۹۱) تفاوت‌های بین زنان و مردان از نظر دینداری، ناشی از جنسیت صرف نیست، بلکه به دلیل تفاوت در نقش‌های

-
1. Francis
 2. Flere
 3. Gillum
 4. Kim
 5. Group
 6. Masleko & Kubzansky
 7. Rusu & Turliuca
 8. Thompson

جنسیتی زنانه و مردانه است. او در تحقیق خود دریافت که بین زنان و مردان پس از کنترل ویژگی‌ها و صفات زنانه و مردانه، تفاوتی از نظر دینداری وجود ندارد. فرانسیس و همکاران (۱۹۹۶) نیز در بررسی خود در فرهنگ‌های مختلف به نتایج مشابهی دست یافتند. با این حال رابطه نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه با دینداری، در تحقیقات داخلی مورد توجه قرار نگرفته است. از آنجا که ممکن است الگوی روابط بین جنسیت، نقش‌های جنسیتی و دینداری، در بافت فرهنگی-اجتماعی جامعه ما متفاوت از جامعه غربی باشد، در این پژوهش رابطه جنسیت و نقش‌های جنسیتی با دینداری دانش‌آموزان بررسی خواهد شد.

روش

این تحقیق از نوع تحقیقات همبستگی بود.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری:

جامعه آماری، شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی و دبیرستان بود که در هنگام اجرای تحقیق، در شهر شیراز مشغول به تحصیل بودند. حجم نمونه مورد نیاز، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۲ نفر محاسبه گردید که پس از مشورت با کارشناسان شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان فارس، به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای از مدارس موجود در ناحیه یک و سه (به عنوان معرف ۴ ناحیه آموزشی)، انتخاب شدند. نمونه انتخاب شده شامل ۲۲۲ پسر و ۱۶۰ دختر بود.

ابزار:

برای سنجش میزان دینداری دانش‌آموزان، از پرسشنامه ۳۳ گویه‌ای گلاک و استارک (۱۹۶۵) که توسط دلبری (۱۳۸۳) اعتباریابی شده است، استفاده گردید. دلبری (۱۳۸۳) برای بررسی روایی پرسشنامه، از روش‌های محتوایی و سازه‌ای استفاده کرده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ نیز برای بعد اعتقادی ۰/۸۶، عاطفی ۰/۸۲، مناسکی ۰/۸۸، پیامدی ۰/۸۱ و برای دینداری کل ۰/۸۹ گزارش شده است. در تحقیق حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد بررسی قرار گرفت و مقدار ضریب آلفا برای بعد

اعتقادی ۰/۷۲، بعد عاطفی ۰/۶۹، بعد مناسکی ۰/۷۸، بعد پیامدی ۰/۷۷ و برای دینداری کل ۰/۹۰ به دست آمد. از آنجا که روایی این پرسشنامه در تحقیقات متعدد داخلی مورد تأیید قرار گرفته است، در تحقیق حاضر از بررسی روایی آن صرف نظر گردید. برای سنجش نقش‌های جنسیتی، از پرسشنامه نقش جنسی بَم (۱۹۷۴) استفاده گردید که شامل ۶۰ ویژگی است: ۲۰ ویژگی، صفات کلیشه‌ای زنانه (نظیر عاطفی بودن، ملایم بودن و حساس بودن)، ۲۰ ویژگی، صفات کلیشه‌ای مردانه (نظیر جاه‌طلبی، استقلال و پرخاشگری) و ۲۰ ویژگی، صفات خنثی و مستقل از جنسیت را می‌سنجند. گفتنی است در تحقیق حاضر جهت رعایت اختصار، تنها ویژگی‌های مردانه و زنانه مورد سنجش قرار گرفت. مطالعات اعتباریابی در ایران، حاکی از ویژگی‌های روان‌سنجی مناسب برای این پرسشنامه است (به نقل از خمسه‌ای، ۱۳۸۵). در تحقیق حاضر مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای بعد مردانه، ۰/۶۶ و برای بعد زنانه، ۰/۷۵ به دست آمد. از آنجا که روایی این پرسشنامه در تحقیقات متعدد داخلی مورد تأیید قرار گرفته است، در تحقیق حاضر از بررسی روایی آن صرف نظر گردید.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش توصیفی و استنباطی انجام گردید. در بخش توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در بخش استنباطی از روش‌های رگرسیون چندگانه با ورود همزمان و تحلیل کوواریانس (جهت کنترل متغیرهای زمینه‌ای مانند سن دانش‌آموزان و تحصیلات والدین) استفاده گردید.

یافته‌ها

جدول یک میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق را به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد. گفتنی است در این جدول، نمره ابعاد مختلف متغیرها، بر تعداد سؤالات آن‌ها تقسیم گردیده تا امکان مقایسه ابعاد با یکدیگر فراهم شود.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای تحقیق به تفکیک جنسیت

کل		پسر		دختر		متغیرهای تحقیق
		SD	X	SD	X	
۰/۵۴	۳/۱۹	۰/۵۲	۳/۲۳	۰/۵۷	۳/۱۴	مردانگی
۰/۵۵	۳/۲۳	۰/۵۵	۳/۱۴	۰/۵۴	۳/۳۳	زنانگی
۰/۵۱	۴/۱۶	۰/۵۲	۴/۱۶	۰/۴۹	۴/۱۵	دینداری اعتقادی
۰/۵۹	۴/۲۶	۰/۶۲	۴/۲۹	۰/۵۶	۴/۲۳	دینداری عاطفی
۰/۷۹	۳/۲۳	۰/۷۴	۳/۳۸	۰/۸۲	۳/۰۳	دینداری مناسکی
۰/۸۵	۳/۳۱	۰/۸۱	۳/۴۱	۰/۸۹	۳/۱۷	دینداری پیامدی
۰/۵۴	۳/۷۳	۰/۵۴	۳/۷۹	۰/۵۳	۳/۶۴	دینداری کل

مطابق با نتایج موجود در جدول فوق، دانش‌آموزان دختر، در بعد زنانگی و دانش‌آموزان پسر، در بعد مردانگی میانگین بالاتری کسب کرده‌اند. با این حال آزمودنی‌ها در صفات جنس مخالف نیز میانگین نسبتاً بالایی کسب کرده‌اند. علاوه بر این دانش‌آموزان به ترتیب در ابعاد عاطفی، اعتقادی، پیامدی و مناسکی دینداری نمرات بالاتری کسب کرده‌اند و نمره دانش‌آموزان پسر در اغلب ابعاد، کمی بالاتر از نمره دانش‌آموزان دختر است.

به منظور مقایسه دانش‌آموزان پسر و دختر از نظر میزان دینداری، از تحلیل کوواریانس یک طرفه با کنترل متغیرهای سن دانش‌آموزان و تحصیلات والدین استفاده شد. گفتنی است که متغیرهای کنترل جهت رعایت اختصار در جدول ذکر نشده‌اند. جدول دو نتایج تحلیل کوواریانس یک طرفه برای مقایسه دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر نمره کلی دینداری را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، بین دانش‌آموزان دختر و پسر از نظر میزان دینداری تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس یک‌طرفه برای مقایسه دانش آموزان دختر و پسر از نظر دینداری

P	F	MS	DF	SS	منبع واریانس
۰/۱۵	۲/۰۹	۵۸۸/۲۸	۱	۵۸۸/۲۸	جنسیت
		۲۸۱/۸۲	۳۳۷	۹۴۹۷۲/۴۵	خطا
			۳۴۲	۱۰۹۲۴۵/۶۲	کل

جدول سه نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره برای مقایسه دانش آموزان دختر و پسر از نظر ابعاد دینداری را نشان می‌دهد. در این تحلیل نیز سن دانش آموزان و میزان تحصیلات والدین آنان کنترل گردیده‌اند. مطابق با نتایج موجود در جدول، بین دانش آموزان دختر و پسر تنها در بعد مناسکی تفاوت معناداری وجود دارد و پسران در این بعد، نمره بالاتری کسب کرده‌اند.

جدول ۳. نتایج تحلیل کوواریانس چند متغیره برای مقایسه دانش آموزان دختر و پسر از نظر ابعاد دینداری

P	F	MS	DF	SS	متغیر وابسته	منبع واریانس
۰/۸۹	۰/۰۲	۰/۴۹	۱	۰/۴۹	اعتقادی	جنسیت
۰/۲۶	۱/۲۹	۱۵/۲۹	۱	۱۵/۲۹	عاطفی	
۰/۰۰۱	۱۱/۹۵	۵۰۷/۶۲	۱	۵۰۷/۶۲	مناسکی	
۰/۱۷	۱/۸۶	۷۳/۹۳	۱	۷۳/۹۳	پیامدی	
		۲۴/۱۴	۳۳۲	۸۰۱۵/۱۸	اعتقادی	خطا
		۱۱/۸۱	۳۳۲	۳۹۲۲/۴۱	عاطفی	
		۴۲/۴۸	۳۳۲	۱۴۱۰۳/۷۸	مناسکی	
		۳۹/۸۵	۳۳۲	۱۳۳۳۰/۵۷	پیامدی	
			۳۳۷	۸۵۵۵/۴۹	اعتقادی	کل
			۳۳۷	۴۱۹۵/۷۷	عاطفی	
			۳۳۷	۱۵۸۵۸	مناسکی	
			۳۳۷	۱۴۹۴۰/۸۸	پیامدی	

جدول چهار نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد اعتقادی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، بعد مردانگی پیش‌بین معناداری برای بعد اعتقادی نبود؛ اما بعد زنانگی در هر دو گروه دختر و پسر و نیز در کل آزمودنی‌ها، پیش‌بین مثبت و معناداری برای بعد اعتقادی دینداری بود.

جدول ۴. رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد اعتقادی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی

کل			دختر			پسر			جنسیت
T	β	B	T	β	B	T	β	B	متغیرهای پیش‌بین
۰/۷۱	۰/۰۵	۰/۰۲	۰/۰۴	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۷۷	۰/۰۷	۰/۰۳	مردانگی
۴/۷۶**	۰/۳۱	۰/۱۴	۴/۱۱**	۰/۳۹	۰/۲۰	۲/۸۵*	۰/۲۶	۰/۱۲	زنانگی
$R = ۰/۳۲$ و $R^2 = ۰/۱۱$			$R = ۰/۳۹$ و $R^2 = ۰/۱۵$			$R = ۰/۲۹$ و $R^2 = ۰/۰۸$			

جدول پنج نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، در گروه پسران، بعد مردانگی پیش‌بین منفی و معناداری برای بعد عاطفی دینداری بود. به عبارت دیگر در گروه پسران، افزایش در نمرات بعد مردانگی با کاهش در بعد عاطفی دینداری همراه بود. نمرات بعد زنانگی در هر دو گروه دختر و پسر و نیز در کل آزمودنی‌ها، پیش‌بین مثبت و معناداری برای بعد اعتقادی دینداری بود.

جدول ۵. رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد عاطفی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی

کل			دختر			پسر			جنسیت
T	β	B	T	β	B	T	β	B	متغیرهای پیش‌بین
-۱/۲۷	-۰/۰۸	-۰/۰۳	-۰/۳۵	-۰/۰۳	-۰/۰۱	-۲/۱۰*	-۰/۱۹	-۰/۰۶	مردانگی
۴/۵۳**	۰/۲۹	۰/۱۰	۳/۹۸**	۰/۳۷	۰/۱۲	۳/۵۶**	۰/۳۲	۰/۱۰	زنانگی
R = ۰/۲۸ و R ² = ۰/۰۸			R = ۰/۳۷ و R ² = ۰/۱۴			R = ۰/۳ و R ² = ۰/۰۹			

جدول شش نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد مناسبی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، نمرات بعد مردانگی و زنانگی پیش‌بین معناداری برای بعد مناسبی دینداری نبودند.

جدول ۶. رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد مناسبی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی

کل			دختر			پسر			جنسیت
T	β	B	T	β	B	T	β	B	متغیرهای پیش‌بین
-۱/۵۲	-۰/۱۰	-۰/۰۷	-۱/۳۲	-۰/۱۳	-۰/۰۹	-۱/۸۷	-۰/۱۷	-۰/۱۱	مردانگی
۲/۳۰	۰/۱۵	۰/۱۰	۱/۰۴	۰/۱۰	۰/۰۸	۳/۱۶	۰/۲۸	۰/۱۸	زنانگی
R = ۰/۲۸ و R ² = ۰/۰۸			R = ۰/۱۵ و R ² = ۰/۰۲			R = ۰/۲۶ و R ² = ۰/۰۷			

جدول ۷ نتایج رگرسیون به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد پیامدی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی را نشان می‌دهد. مطابق با نتایج موجود در جدول، نمرات بعد مردانگی پیش‌بین معناداری برای بعد پیامدی دینداری نبود. با این حال نمرات بعد زنانگی در پسران و کل آزمودنی‌ها، پیش‌بین مثبت و معناداری برای بعد پیامدی دینداری بود.

جدول ۷: رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای پیش‌بینی بعد پیامدی دینداری از روی متغیرهای مردانگی و زنانگی

کل			دختر			پسر			جنسیت
T	β	B	T	β	B	T	β	B	متغیرهای پیش‌بین
-۱/۰۸	-۰/۰۷	-۰/۰۵	-۱/۸۹	-۰/۱۹	-۰/۱۲	-۰/۴۲	-۰/۰۴	-۰/۰۲	مردانگی
۲/۸۹**	۰/۱۹	۰/۱۲	۱/۸۴	۰/۱۸	۰/۱۲	۲/۸۱*	۰/۲۵	۰/۱۵	زنانگی
$R = ۰/۱۸$ و $R^2 = ۰/۰۳$			$R = ۲۳/۰$ و $R^2 = ۰/۰۰$			$R = ۲۴/۰$ و $R^2 = ۰/۶۰$			

بحث و نتیجه‌گیری

همانگونه که در بخش یافته‌ها مشاهده گردید، بین دانش‌آموزان دختر و پسر تنها در بعد مناسکی، تفاوت معناداری وجود داشت و نمرات پسران در این بعد بالاتر از دختران بود. از طرفی نمره بعد زنانگی با اغلب ابعاد دینداری رابطه مثبت و معناداری داشت. در حالیکه نمره بعد مردانگی تنها با بعد عاطفی دینداری در گروه پسران، رابطه منفی و معناداری داشت.

بالا بودن نمرات پسران در بعد مناسکی، با بخش عمده‌ای از ادبیات موجود که برتری زنان نسبت به مردان را نشان داده‌اند، ناهمسو است. به عنوان مثال: گیلوم (۲۰۰۵)، کیم (۲۰۰۶)، گروپ (۲۰۰۶)، ماسلکو و کوب‌زانسکی (۲۰۰۶)، روسو و تورلیوک (۲۰۱۱)، موسوی و همکاران (۱۳۹۰)، گنجی و همکاران (۱۳۸۹)، سفیری و همکاران (۱۳۸۸)، تمدنی (۱۳۸۵)، توسلی و همکاران (۱۳۸۵)، دهشیری و همکاران (۱۳۸۷)، لهسایی زاده و همکاران (۱۳۸۳) و آهنگوب نژاد (۱۳۸۸). نکته جالب توجه آنکه بعد مناسکی تنها بعدی بود که هیچیک از صفات زنانه و مردانه با آن رابطه معناداری نداشتند (جدول ۶). به عبارت دیگر به نظر می‌رسد، تفاوت دختران و پسران در این بعد، ارتباطی به میزان صفات زنانه یا مردانه در آنان ندارد. از آنجا که برخی از گویه‌های بعد مناسکی، ناظر به حضور در مراسم یا اجتماعات مذهبی است، به نظر می‌رسد نمره

بالا‌تر پسران به دلیل اختیار و آزادی عمل بیشتر آنان برای حضور در چنین اجتماعاتی باشد. در حالیکه دختران همواره با محدودیت‌هایی از سوی خانواده جهت بیرون رفتن از منزل و مشارکت در مراسم مذهبی مواجه هستند.

علاوه بر این بین دختران و پسران در سایر ابعاد دینداری و در نمره کلی دینداری تفاوت معناداری مشاهده نگردید. این بخش از یافته‌ها به رغم ناهم‌سویی با شواهد پیش گفته، با تحقیقات انجام شده توسط قاسمی و قربانیان (۱۳۸۹)، نکویی و سیف (۱۳۸۴)، چراغی و مولوی (۱۳۸۵) و جمشیدی (۱۳۹۰) هم‌سو بود که تفاوتی بین نمرات دینداری دختران و پسران گزارش نکرده‌اند. لوتال^۱ و همکاران (۲۰۰۲) بر این باورند که تفاوت‌های بین زنان و مردان از نظر دینداری، به بافت فرهنگی و ابزار اندازه‌گیری به کار رفته بستگی دارد. آن‌ها با بررسی گروهی از زنان و مردان مسلمان، هندو، یهودی و مسیحی ساکن آمریکا دریافتند که به جز مسیحیان در سه گروه دیگر، مردان میزان فعالیت مذهبی خود را بیشتر از میزان فعالیت مذهبی زنان گزارش کردند.

در ادامه معلوم گردید صفات زنانه با اغلب ابعاد دینداری (به جز بعد مناسبی) رابطه مثبت و معناداری دارد. در حالیکه صفات مردانه با اغلب ابعاد، رابطه معناداری نداشت و تنها با بعد عاطفی دینداری در پسران رابطه منفی معناداری داشت. این یافته با یافته تامپسون (۱۹۹۱) و فرانسیس و همکاران (۱۹۹۶) هم‌سو بود. در تحقیق فرانسیس و همکاران (۱۹۹۶) رابطه بین مردانگی و دینداری در سطح ۰/۰۵ و رابطه بین زنانگی و دینداری در سطح ۰/۰۱ معنادار بود. آن‌ها در تبیین یافته‌های خود مطرح می‌کنند که داشتن یک نقطه نظر زنانه و نه مردانه موجب افزایش دینداری می‌شود.

در مورد تفاوت‌های جنسیتی در دینداری تبیین‌های مختلفی ارائه شده است: دسته اول از تبیین‌ها، عوامل جامعه‌پذیری را عامل دینداری بیشتر زنان می‌دانند. به عنوان مثال آرگلی و بیت‌هالاومی (۱۹۷۵) بر این باورند که تجارب کودکی خاص زنان، آن‌ها را برای پذیرش ارزش‌های دینی و درگیری در دین آماده می‌کند (به نقل از واس^۱ و همکاران، ۱۹۸۷). جامعه‌پذیری زنان بر حل تعارض، انقیاد^۲، ملایمت^۳ و پرورندگی^۴ و دیگر ارزش‌های بیانگر که همسو با تأکیدات مذهبی است، تأکید می‌کند. در مقابل تأکید بیشتر بر عاملیت در جامعه‌پذیری مردان باعث می‌شود توافق کمتری بین مذهب و نقش‌ها، ارزش‌ها و تصور از خود مردانه باشد (مول، ۱۹۸۵ به نقل از واس و همکاران، ۱۹۸۷).

دسته دوم از تبیین‌ها، آموزه‌های مذهبی را در جامعه‌پذیری مؤثر می‌دانند و یا بر این باورند که خانواده و سایر مؤسسات اجتماعی، جامعه‌پذیری دینی و نقش‌های جنسیتی را همزمان تحت تأثیر قرار می‌دهند. به عنوان مثال ویلسون (۱۹۷۸) مطرح می‌کند مذهب یکی از مهمترین تعیین‌کننده‌های نقش‌های جنسیتی است و خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل جامعه‌پذیری جنسیتی، بسیاری از ایده‌های خود در مورد نقش‌های جنسیتی را از مذهب اقتباس می‌کند. روتر (۱۹۷۴) مذهب را مهمترین عامل شکل دهنده تصور و نقش‌های جنسیتی زنان می‌داند. علاوه بر این خانواده رویارویی فرد با دیگر عوامل جامعه‌پذیری نظیر مؤسسات مذهبی (مسجد، کلیسا و نظایر آن) را تعیین می‌کند (آنتونیو، ۱۹۸۰). به عقیده لامپ (۱۹۸۱) بسیاری از ویژگی‌ها (شفقت^۵، فداکاری، اطاعت و فروتنی) که به عنوان ویژگی‌های زنان در خلال فرایند جامعه‌پذیری کسب می‌شوند، به

-
1. Vaus
 2. submission
 3. gentleness
 4. nurturance
 5. compassion

لحاظ دینی نیز مورد تأکید هستند (همگی به نقل از برین کرهوف^۱ و همکاران، ۱۹۸۵).

سرانجام دسته سوم، سایر ویژگی‌های زنان را دلیل دینداری آنان می‌دانند. به عنوان مثال گری (۱۹۷۱) مطرح می‌کند که زنان به طور طبیعی بیش از مردان دچار احساس گناه می‌شوند و برای تخفیف این احساس گناه به مذهب روی می‌آورند (به نقل از واس و همکاران، ۱۹۸۷). میلر و هافمن (۱۹۹۵) به نقل از میلر و استارک^۲ (۲۰۰۲) این احتمال را پیش کشیده‌اند که ممکن است مردان به دلیل ترجیح بیشتر برای خطر، از دینداری کمتری برخوردار باشند. به عبارت دیگر عدم پایبندی به دین، خطراتی را در پی دارد. مردان تقریباً در همه رفتارهای پرخطر، از سوء مصرف مواد تا خطرات مالی، نمرات بیشتری در خطرپذیری نسبت به زنان کسب می‌کنند و سطح پایین دینداری آنان ممکن است ناشی از خطرپذیری بیشتر آنان باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که میزان ترجیح برای خطر، تبیین بهتری از تفاوت‌های جنسیتی در دینداری فراهم می‌کند (میلر و استارک، ۲۰۰۲). با این حال نباید از نظر دور داشت که میزان ترجیح برای خطر نیز علاوه بر اینکه می‌تواند ناشی از ویژگی‌های زیستی، ژنتیکی و هورمونی باشد، تحت تأثیر جامعه‌پذیری قرار می‌گیرد. بنابراین شناسایی دقیق چگونگی تأثیر عوامل جامعه‌پذیری بر تفاوت‌های زنان و مردان از نظر دینداری، نیازمند نظریه‌پردازی و انجام تحقیقات تجربی بیشتر است.

در مجموع یافته‌های مربوط به رابطه نقش‌های جنسیتی و دینداری در مقایسه با تفاوت‌های جنسیتی، همسویی بیشتری با تحقیقات پیشین و مبانی نظری موجود داشت. احتمالاً به این دلیل که تأثیر جنسیت به راحتی با دیگر عوامل (مثلاً بافت خانوادگی، اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی) آمیخته می‌شود؛ در حالیکه نقش‌های

1. Brinkerhoff
2. Miller & Stark

جنسیتی شاخص پایدارتری از ویژگی‌های فردی است. به عبارت دیگر صرف آگاهی از جنسیت افراد، اطلاعات چندانی در مورد شیوهٔ جامعه‌پذیری، موقعیت اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی و نیز فرایندهای شناختی و انگیزشی او به دست نمی‌دهد. در حالیکه آگاهی از نقش‌های جنسیتی، ماهیت این عوامل را بهتر آشکار می‌کند.

حجم نسبتاً کم نمونه و استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای که عملاً در مراجعه به مدارس، تنها گزینهٔ پیش‌رو است و به رغم سهولت، دارای خطای نمونه‌گیری نسبتاً زیادی بوده و رعایت دقیق نسبت‌های سنی و جنسیتی را دشوار می‌سازد، از محدودیت‌های عمدهٔ این تحقیق بود. علاوه بر این با توجه به اینکه دانش‌آموزان راهنمایی و دبیرستان تا رسیدن به سن بزرگسالی راه زیادی در پیش دارند، ممکن است این یافته‌ها قابل تعمیم به دیگر گروه‌های سنی نباشد. در کاربرد یافته‌های تحقیق، به دیگر بافت‌های فرهنگی و اجتماعی-اقتصادی نیز باید جانب احتیاط رعایت شود.

همچنین به نظر می‌رسد تحقیق در مورد تفاوت‌های جنسیتی در دینداری به دلیل فقدان چارچوب‌های نظری مناسب، از تحریک زیادی برخوردار نیست. به همین دلیل یافتن منابع جدید در مورد موضوع تحقیق میسر نبود. با این حال حداقل در جامعهٔ دینی ما، شناسایی مسیرهایی که از طریق آن نقش‌های جنسیتی بر دینداری تأثیر می‌گذارند، می‌تواند یافته‌های کاربردی مفیدی در راستای افزایش میزان دینداری در سطح جامعه به دست دهد. بنابراین پیشنهاد می‌شود مسیرهای احتمالی بین نقش‌های جنسیتی و دینداری (به عنوان مثال: خطرپذیری، هیجان‌خواهی، رفتارهای تکانشی، تفاوت در سرگرمی‌ها و علایق، اعتماد به مراجع قدرت و نظایر آن) مورد بررسی قرار گیرد. همچنین با توجه به تغییرات سریع اجتماعی بویژه در نقش‌های زنانه، بررسی تغییرات در نقش‌های جنسیتی پیشنهاد می‌شود. نتایج این گونه تحقیقات می‌تواند اطلاعات مفیدی در مورد تغییرات و روندهای آتی دینداری در جامعه ارائه دهد. همچنین بررسی دقیقتر

نقش‌های جنسیتی، شناسایی خرده‌عامل‌های آن و لحاظ کردن تغییرات احتمالی که بر اثر گذشت زمان در نقش‌های جنسیتی به وجود آمده است، می‌تواند علاوه بر افزایش دقت پیش‌بینی‌ها، به روشن شدن چگونگی تأثیر نقش‌های جنسیتی بر دینداری کمک کند.

منابع

منابع فارسی

- آهنکوب‌نژاد، محمدرضا. (۱۳۸۸). مطالعه میزان پایبندی دینی جوانان شهر اهواز. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره سوم، صص ۱-۲۴.
- تمدنی، مجتبی. (۱۳۸۵). رابطه نگرش دینی و همسازی اجتماعی دانشجویان. *فصلنامه روان‌شناسان ایرانی*، سال دوم، شماره ۱۸، صص ۳۳۱-۳۴۰.
- توسلی، غلامعباس و مرشدی، ابوالفضل. (۱۳۸۵). بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان: مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۷، شماره ۴، صص ۹۶-۱۱۸.
- جمشیدی، بهنام. (۱۳۹۰). رابطه دینداری و تاب‌آوری در دانش‌آموزان دختر و پسر راهنمایی و دبیرستان شهر شیراز. *طرح پژوهشی: ارائه شده به شورای تحقیقات آموزش و پرورش استان فارس*.
- چراغی، مونا و مولوی، حسین. (۱۳۸۵). رابطه بین ابعاد مختلف دینداری و سلامت عمومی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. *مجله پژوهش‌های تربیتی و روان‌شناختی*، سال دوم، شماره ۲، پیاپی، ۶، صص ۱-۲۲.
- خمسه‌ای، اکرم. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط میان رفتار جنسی و طرحواره‌های نقش جنسیتی در دو گروه از دانشجویان متأهل: مقایسه رفتار جنسی زنان و مردان در خانواده. *فصلنامه خانواده‌پژوهشی*، سال دوم، شماره ۸، ۳۲۸-۳۳۹.

- دلبری، محمد. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین دینداری و نگرش نسبت به دموکراسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: دانشگاه شیراز.
- دهشیری، غلامرضا؛ سهرابی، فرامرز؛ جعفری، عیسی و نجفی، محمود. (۱۳۸۷). بررسی خصوصیات روانسنجی مقیاس بهزیستی معنوی در میان دانشجویان. *مطالعات روان‌شناختی*، دوره ۴، شماره ۳، صص. ۱۲۹-۱۴۴.
- سفیری، خدیجه و غفوری معصومه. (۱۳۸۸). بررسی هویت دینی و ملی جوانان شهر تهران با تأکید بر تأثیر خانواده. *پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه*، شماره دوم، صص. ۱-۲۷.
- قاسمی، وحید و قربانیان، مه‌ری. (۱۳۸۹). تحلیل تطبیقی تأثیر مهارت در سطح دینداری و الویت‌های ارزشی دختران و پسران. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)*، ۱۲(۴۷)، صص. ۱۹۷-۲۲۲.
- گنجی، محمد؛ نعمت‌اللهی، زهرا و طاهری، زهرا. (۱۳۸۹). رابطه هویت دینی و سرمایه اجتماعی در بین مردم شهر کاشان. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، شماره پیاپی (۴۰)، شماره ۴، صص. ۱۲۳-۱۴۴.
- لهسایی زاده، عبدالعلی؛ جهانگیری، جهانگیر و شریفی، علی. (۱۳۸۳). بررسی عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر پایبندی به ارزش‌های دینی مطالعه موردی دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر شیراز. *مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، صص. ۳۳-۵۶.
- موسوی، سیده زهرا؛ موسوی، سیدرفیع و حیدری، حسین. (۱۳۹۰). بررسی میزان پایبندی به مناسک و رفتارهای دینی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهرستان زنجان). *جامعه‌شناسی مطالعات جوانان*، ۱(۱)، صص. ۱۴۹-۱۷۳.
- نکویی، مریم و سیف، سوسن. (۱۳۸۴). بررسی رابطه دینداری با رضایتمندی زناشویی. *تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص. ۶۱-۷۹.

- Bem, S.L. (1981). Gender Schema Theory: A Cognitive Account of Sex Typing. *Psychological Review*, 88 (4), 354-364.
- Brinkerhoff, M. B. & MacKie, M. (1985). Religion and Gender: A Comparison of Canadian and American Student Attitudes. *Journal of Marriage and Family*, 47 (2), PP. 415-429.
- Flere, S. (2007). Gender and Religious Orientation. *Social Compass*, 54(2), 239-253.
- Francis, L.J., & Wilcox, C. (1996). Religion and gender orientation. *Personality and Individual Differences*, 20 (1), 119-121.
- Gillum, R. F. (2005). Frequency of attendance at religious services and cigarette smoking in American women and men: The Third National Health and Nutrition Examination Survey. *Preventive Medicine*, 41, 607-613.
- Group, W.S. (2006). A cross-cultural study of spirituality, religion, and personal beliefs as components of quality of life. *Social Science & Medicine*, 62, 1486-1497.
- Ivan, L. (2012). Sex role identity, nonverbal sensitivity and potential leadership style. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 46, 1720 - 1729.
- Kim, K. H. (2006). Religion, body satisfaction and dieting. *Appetite*, 46, 285-296.
- Loewenthal, K.M., MacLeod, A.K., & Cinnirella, M. (2002). Are women more religious than men? Gender differences in religious activity among different religious groups in the UK. *Personality and Individual Differences*, 32, PP. 133-139.
- López-Sáez, M., Morales, J. F. & Lisbona, A. (2008). Evolution of gender stereotypes in Spain: traits and roles. *The Spanish Journal of Psychology*, 11(2), 609-617.
- Maselko, J. & Kubzansky, L.D. (2006). Gender differences in religious practices, spiritual experiences and health: Results from the US General Social Survey. *Social Science & Medicine*, 62, 2848-2860.
- Miller, A.S., & Stark, R. (2002). Gender and religiousness: can socialization explanations be saved? *American Journal of Sociology*, 107(6), 1399-1423.
- Reitsma, J., Scheepers, P. & Janssen, J. (2007). Convergent and discriminant validity of religiosity measures among church members and non-members. *Personality and Individual Differences*, 42, 1415-1426.
- Risman, B. J. & Davis, J. (2013). From sex roles to gender structure. *Current Sociology*, 0 (0), 1-23.

- Rusu, P. & Turluc, M. (2011). Religiosity and family functionality in Romanian Orthodox religion. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 30, 542 – 546.
- Saucier, D. M., McCreary, D.R. & Saxberg, D. K. J. (2002). Does gender role socialization mediate sex differences in mental rotations? *Personality and Individual Differences*, 32, PP. 1101–1111.
- Stokes, C. H. & Ellison, C. G. (2010). Religion and Attitudes Toward Divorce Laws Among U.S. Adults. *Journal of Family Issues*, 31(10), 1279–1304.
- Taylor, R. J., Mattis, J. & Chatters, L. M. (1999). Subjective religiosity among African Americans: A synthesis of finding from five national samples. *Journal of Black Psychology*, 25 (4), 524-543.
- Thompson, E. H. (1991). Beneath the status characteristics: gender variations in religiousness: an exploratory study. *British Journal of Guidance and counseling*, 21, PP. 290-299.
- Vaus, D. D. & McAllister, I. (1987). Gender Differences in Religion: A Test of the Structural Location Theory. *American Sociological Review*. 52 (4), PP. 427-481.
- Yu, L. & Xie, D. (2008). The relationship between desirable and undesirable gender role traits, and their implications for psychological well-being in Chinese culture. *Personality and Individual Differences*, 44, PP.1517–1527.